

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: فرهنگ و هنر اهل صفویه
نام نام خانوادگی: سید حامد خادمی
نام استاد: رضایی

فرهنگ و هنر اهل صفوی

صفوی، صفوی طی صفویان دودمانی ایرانی و شرعیه بودند که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ هجری خورشیدی (برابر ۹۰۷-۱۱۳۵ قمری و ۱۵۰۱-۱۷۲۲ میلادی) بر ایران فرمانروایی کردند. بنیانگذار دودمان پادشاهی صفوی، شاه اسماعیل یکم است که در سال ۸۸۰ خورشیدی در تبریز تاجگذاری کرد و آخرین پادشاه راسخ صفوی، شاه سلطان حسین است که در سال ۱۱۰۱ خورشیدی از افغانها شکست خورد دوره صفوی از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌آید، چرا که پس از نهمصد سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان، یک فرمانروایی پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی کند. به درستی پس از اسلام، چندین پادشاهی ایرانی مانند صفاریان، سامانیان، آل بویه و سربداران ساخته شد، ولی هیچ‌کدام نتوانستند تمام ایران را زیر پوشش خود جای دهند و یکپارچگی مملکت مردم ایران پدید آورند.

صفویان، آیین شرعیه را دین رسمی ایران جای دادند و آن را به عنوان عامل همبستگی ملی ایرانین برگزیدند. شرعیه فرمانروایی صفوی تمرکزگرا و زبوی مطلقه (در دست شاه) بود. پس از ساختن پادشاهی صفوی، ایران اهمیت بیشتر پیدا کرد و از ثبات و یکپارچگی برخوردار شد و در زمینه جهانی نام‌آور شد. در این دوره روابط ایران و کشورهای اروپایی به دلیلی دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و زین جرطن‌های بازرگاری (به ویژه داد و ستد ابریشم از ایران) گسترش فراوانی یافت. در دوره صفوی (به ویژه نیمه نخست آن) جنگ‌های بسطی مملکت ایران با امپراتوری عثمانی در باختر و با ازبکها در خاور کشور رخ داد که شوند علت این جنگ‌ها جرطن‌های زمینی و دینی بود.

ایران در دوره صفوی در زمینه مسائل نظامی، فقه شرعیه، و هنر معماری، خوشنویسی، و نقاشی پیشرفت شایسته نمود. از سرداران جنگی نامدار این دوره می‌توان قرچقای خان، انوردی خان، و امامقلی خان را نام برد که هر سه از سرداران شاه عباس یکم بودند. از فقهان و دانشمندان نامی در این دوره می‌داماد، فیض کاشانی، شریح بهایی، ملاصدرا، و علامه مجلسی نامور هستند. هنرمندان نامدار این دوره زین رضا عباسی، علی‌رضا عباسی، می‌عماد، و آقام‌یک هستند. ولی از دیدگاه ادبی، در دوره صفوی شاعر طی نویسنده بزرگی از ایران برنخاست و تنها در زمینه ادبیت شریعی و مرثیه‌سرایی آفرینه‌هایی درخور توجه پدید آمد. صفویان همواره بزرگترین سد در برابر ترکان عثمانی بودند و اندیشه‌ی بازپس‌گیری مرزهای هخامنشین و اشکانین و ساسانیان را داشتند. صفویان در جنگ‌های خود با عثمانی‌ها همواره با نام ایران می‌جنگیدند. همین ترکان عثمانی تا پیش از بیرون رانده شدن‌اشان به دست شاه عباس بزرگ، آذربایجان و قفقاز را به اشغال درآورده و از مردمان این سامان کشتار فراوانی کردند. صفویان فرهنگ، هنر، موسیقی، معماری ایرانی و ادبیت پارسی را گسترش می‌دادند و سرانجام شاه عباس پایتخت خود را به اصفهان جابجا کرد.

اصالت خاندان صفویان

برخلاف بسطی از دودمان‌ها که توسط سرداران و جنگاوران درست شده‌اند، یکی از جنبه‌های ویژه خاندان صفوی در دوران پس از اسلام ایران، سرچین اصل و نسب و تبار آنها به صفویان می‌باشد. این جنبه تمایز پادشاهی صفوی سبب مقایسه آنها با پادشاهی پیش از اسلام ساسانی می‌شود، دودمانی که پایه‌گذاران آن از رده موبدان زرتشتی صفوی نبودند بلکه آنها بی‌گروه شافعی‌اهل سنت نبودند. دگرشتی آیین گروه صفویان خاندان صفوی به گروه‌ی نظامی - سرطیری شرعیه‌گرا در زمان نوه شریح صفی‌الدین اردبیلی، عری خواجه علی آغاز شد. ۸ بودند و دین زرتشتی را به عنوان دین رسمی کشور اعلام کردند. همچنین این نکته باین گفته شود که زبیکان خاندان صفوی اصالتاً

شاهان دودمان صفوی در زمان به شاه ی رسپنشان به زبان ترکی آذربایجانی سخن می‌گفتند (به جز شاه اسماعیل یکم که از بدو تولد دوزبانه بود و به هر دو زبان فارسی و ترکی آذربایجانی سخن می‌گفت و شعر می‌سرود. اما زلیخان آنها در اصل آمختاری (ترکشی) از نژادهای کرده، آذری، گرجی و یازبیدی رهن می‌کردندو اینکه از تبار پهلبر اسلام هستند ولی با این وجود بسرطری از پژوهش‌گران در مورد درست بودن این گفته شک دارند

اصالت کردی

؛ یکی از پژوهش‌گران جرطن‌های دوره صفوی (Roger Savory: بر اساس گفته راجر ساوری (انگلیسی

بر اساس نوشتارهای باشنده (موجود) در زمان اکنون، شکی در این رهیبت که خاندان صفوی به طور قطع دارای ریشۀ ایرانی است نه ریشۀ ترکی که گاه ی بدان خوانده می‌شود. این احتمال وجود دارد که اصلیت این خاندان از کردستان این آمده باشد که بعدها به آذربایجان کوچ کرده‌اند. جایی که آنها زبان ترکی آذربایجانی را از ترک‌زبانان آنجا فراگرفته و سرانجام در سده یازدهم میلادی در شهر اردبیل جای گزیده‌اند

:همچنین بر اساس سخنان ولادیمی مینورسکی، خاورشناس روسی

از ۹۷۰ تا ۱۵۱۰ میلادی، آذربایجان به پناهگاه اصلی و مرکزی برای یکپارچگی صفوطن تبدیل گشت، کساری که از بوم‌طن اردبیل بودند و اصالتاً به یکی از گویش‌های محلی زبان‌های ایرانی سخن می‌گفتند

کهن‌ترین اثر نوشته درباره تبارنامه خاندان صفوی و رهن تنها نوشته‌ای در این باره که به پیش از سال ۱۵۰۱ میلادی باز می‌گردد نسکی (کتابی) با نام صفوه الصفا می‌باشد و توسط ابن بزاز اردبیلی نوشته شده‌است، که خود ایشان از مرئیان شریخ صدرالدین اردبیلی پسر شریخ صفی‌الدین اردبیلی بوده‌است. بر اساس نوشته ابن بزاز '«شریخ صفی‌الدین از نوادگان یک نجیب‌زاده کرد به نام فیوزشاه زرین‌کلاه می‌باشد.» زلیخان مردانه (زلیخان پدری) خاندان صفوی بر اساس کهن‌ترین وین ایش خطی نسک صفوه الصفا به شرح زی است:

شرح صفی‌الدین ابوالفتح اسحق بن شرح امین‌الدین جبرائیل بن قطب‌الدین بن صالح بن محمدالحافظ بن عوض بن فیروزشاه زرین‌کلاه

شاهان صفوی برای هر چه بیشتر مشروعیت بخشیدن به پادشاهی‌شان در جهان شریعه، خودشان را از تبار محمود برای همین نوشته‌های این بزاز را دستکاری کرده و نشانه‌های اصالت کردی بپلمبر اسلام برمی‌شمرند در خاندان صفوی را تاریک و گنگ ساختند

به نظر می‌رسد امروزه مکتب پژوهش‌گران و تاریخ‌دانان دودمان صفوی این هم‌رایی باشند (وجود) است که اصالت خاندان صفوی به کردستان باز می‌گردد که در سده یازدهم میلادی به آذربایجان کوچ کرده و در اردبیل جای گزیده‌اند. از این رو امروزه بیشتر پژوهش‌گران بر اساس اصالت شرح صفی‌الدین اردبیلی، خاندان صفوی را از تبار کردها می‌دانند و به همین روی، صفویان اصالتاً یک خاندان ایرانی‌زبان به شمار می‌رود. از سویی دیگر شرح صفی‌الدین خود یک سری شافعی بود، آینه‌ی که امروزه بیشتر مردم کرد از آن پیروی می‌کنند

بر اساس دیدگاه پروفیسور ریچارد فرای، یکی از این‌شناسان برجسته دانشگاه هاروارد

ترک‌زبانان آذربایجان در اصل از نوادگان مردمان ایرانی‌زبان گذشته بوده‌اند، که هنوز هم گونه‌های چندی از این زبان‌ها در بخش کافت می‌شوند. کوچ گسترده ترکان آغوز در سده‌های ۱۱ و ۱۲ میلادی نه تنها آذربایجان بلکه آناتولی را هم ترک‌زبان کرده‌است. این ترک‌زبانان آذربایجان بوده‌اند که پادشاهی صفوی را درست کرده‌اند

»

همچنین چندی دیگر از پژوهش‌گران زین بر آذری بودن صفویان پای فشرده‌اند

شرح‌کلان در این‌ان هم‌شبهه در کمی و فشار بودند تا اینکه پس از یرش مغولان و فروپاشی پادشاهی کهن و پرنفوذ عباسی که حکم خلیفه مسلمانان (به نظر اهل تسنن) را داشت، جای تازه گرفتند. پس از یرش مغول، چند فرمان‌روایی شریعه‌مذهب مانند سربداران و قره‌قوی‌نلوها در این‌ان بر سر کار آمدند و نفوذ شریعه در این‌ان بیشتر شد. از سوی دیگر بیشتر اهل سنت این‌ان بر آیین شافعی و دوست‌دار اهل بیت بودند

شرح صفی‌الدین اردبیلی، زبانی بزرگ صفویان، هشتمین نسل از تبار فیروزشاه زرین‌کلاه بود. فیروزشاه از بوم‌کلان ایرانی و کردتبار بود که در سرزمین مغان نشرین گرفته بود. زبان مادری شرح صفی‌الدین تاتی بود و شعرهای تاتی او امروزه در دست است. زبان تاتی یکی از زبان‌های ایرانی و زبان بومی آذربایجان بوده‌است

دودمان پادشاهی صفوی به وسیله شاه اسماعیل یکم با تکیه بر پیروان طریقت تصوف علوی درست شد. این پیروان که بیشتر از اهل‌های آناتولی بودند و بعدها به قزلباش‌ها، قراقوی‌نلوها و قراقوی‌نلوها درگی جنگ‌های پهلپی با دولت عثمانی بودند. اسماعیل جوان، نوه شریخ جزین، پسر شریخ صفی‌الدین و نوه اوزون‌حسن آق قوی‌نلو زعی آموزش بزرگان قزلباش (نامور به اهل اختصاص) پرورش یافت و رهبر دینی آنان به شمار می‌آمد. نامور شدند بر سر باورهای خود سال‌ها به هواداری از

ساخت و زین و گرفتن دودمان صفوی نتیجه حدود ۲۰۰ سال تبلیغات فرهنگی صوفی‌ن صوفی بود. اگر به این نکته دقت شود که شاه اسماعیل در زمان تاجگذاری در تبریز تنها ۱۴ سال داشت، ارزش این گذشته فرهنگی بیشتر نمایان می‌گردد. پس از یرش مغول و فروپاشی خلافت عباسی در بغداد محور اصلی نمایش یک آیین و گرایش رسمی از اسلام از مکتب رفت و آیین شریعه جان تازه‌ای گرفت. به این ترتیب از بین رفتن دستگاه خلافت رسمی در کنار عواملی چون نابسامانی ناشی از حمله مغولان و گرایش به درونگرایی مردم و آسان‌گویی دینی مغولان شوند (موجب) رونق فراوان گروه‌های گوناگون از جمله شاخه‌های گوناگون تصوف شد.

پیروان شریخ صفی‌الدین زین به راستی نماینده گروه وئی‌های از تصوف بر پائی آیین شریعه دوازده امامی بودند (هر چند در مورد اینکه شخص شریخ صفی‌الدین، شریعه بوده‌است، تردیدی وجود دارد). باور قزلباشان به این گروه از تصوف تا پیش از پادشاهی شاه عباس یکم مهم‌ترین عامل زین‌ومندی صفوی بود. قزلباشان تا پیش از جنگ چالدران به راستی گونه‌ای زین‌وی خداگونه برای شاه اسماعیل یکم قاطی بودند که با شکست در جنگ این باور آن‌ها رو به سستی نهاد

ارزطبی تاریخی

دودمان صفوی توانست از این‌ان دوباره «ملت-دولت» مستقل، خودمحور، زین‌ومند و مورد احترام بسازد که مرزهای آن در زمان پادشاهی شاه عباس یکم برابر مرزهای ساسانیان بود. پادشاهی صفوی پیشروی دولت این‌ان به چم نوین آن بود و در دوره آنان شکل یک فرمان‌روایی متمرکز ملی و شریعی پایگذار ی شد که تا امروز پایرجاست. شاهان صفوی برای نگهداری استقلال این‌ان که پس از جنگ‌های بسرطرا به دست آمده بود، کوشش خود را صرف انباشتن خزانه خصوصی کردند تا بتوانند هزینه‌های نظامی را تأمین کنند. برای هم‌ین داشته‌های آنان در بخش‌های گوناگون این‌ان گسترش یافت و فرمان‌روایی خان‌خانی و عشیره‌ای و دودمان‌های محلی از بین رفت و فرمان‌روایی مرکزی با زین‌وی روزافزون جای آن را گرفت. چنانکه تاریخ این‌ان نشان داده که فرمان‌روایی متمرکز باعث زین‌ومندی و یکپارچگی کشور می‌شود و دولت نامتمرکز و فدرالی ناتوانی و آشفتگی این‌ان را در پی دارد

رسیدن این‌ان به مرزهای طبیعی خود، و در بعضی زمان‌ها به ویژه در دوره پادشاهی شاه عباس بزرگ و نادر به مرزهای دوران ساسانیان، به این‌ان شکوه و جلال پیشین را باز داد. برای اروپا که به گونه‌ای سخت در معرض خطر دولت عثمانی بود، بسرطرا گران‌بها و ارزشمند شمرده می‌شد، به گونه‌ای که دوراندیشان مردم در آن دتلا، دولت صفوی را مایع نگهداری خویش و نعمتی برای خود می‌پنداشتند و به هم‌ین شوند با بچم‌های دلگرم‌کننده خود، پادشاهان این‌ان را به ادامه نبرد و سستی با عثمانی تحریض می‌کردند. پس از عقب‌نشینی سلطان سلیمان قانونی از آذربایجان و تحمل تلفات سنگین سپاه عثمانی از سرما و برف و نبود آذوقه، فرستاده وزین در دربار عثمانی به پادشاه خود نوشت: «تا آنجا که عقل سلیم گواه می‌دهد این امر جز خواست خدای بزرگ چن دیگری نیست زعی می‌خواهد که جهان مسریحیت را از ورطه نابودی پاطری رهایی بخشد (گفته‌ای از تروین‌طینو سفین دولت وزین‌ی در دربار سلطان

عثمانی و صفوی دیگری از دولت‌های فرنگ که در استانبول به سر می‌برد، هم‌من مضمون را بدین گونه بیان کرد که: «مظن ما و ورطه هلاک تنها این فاصله است، اگر این مانع نبود عثمانیان به سهولت بر ما دست می‌یافتند»

برخی می‌پندارند ساختن دولت صفوی زلزله بزرگ برای جهان اسلام بود، بدین گونه که با رسمی کردن تشیع، و ناتوان ساختن تسنن، یکپارچگی دینی سرزمین‌های اسلامی را که تا آن دوران به جای مانده بود، از مظن برد و آن سرزمین پهن‌ور و یگانه جغرافیایی را از مظن بری و به خطر انداخت. لازم به گفتن است، پیش از این در سده‌های چهارم تا ششم هجری، دولت اسماعیلی فاطمیان در مصر فرمان‌روایی در برابر خلافت عباسی درست کرده بود و تا زمانی که هر دو دولت زبومند بودند، هیچ سخنی در مبارزه با صلح‌طلبان نداشتند. بنابراین به طور قطع این نخستین بار نبود، که یک فرمان‌روایی رسمی شریعی درست می‌شد. دوم، زبوی دولت عثمانی و گسترش بعلی آن بدون پشتوانه فرهنگی و اجتماعی لازم انجام می‌شد. به گونه‌ای که علیرغم چند سده چینی‌گی بر یونان، بالکان و چند کشور دیگر اروپایی تنها چندی از مردم آن بخش‌ها مسلمان شدند و هر چند این گفته درست است که عثمانی بر اثر مناقشه‌های فراوان با صفویان همواره از مرزهای خاوری خود بیهناک بود و ناگزیر بخش بزرگی از زبوی نظامی خویش را در آن بخش صرف می‌کرد و از پیشرفت و تمرکز زبوی در جبهه‌های اروپا باز می‌ماند، اما شکست‌های بزرگ عثمانی در اروپا پس از دوره کردن وین در سال ۱۰۶۲ خ. ۱۶۸۳ میلادی و هم‌زمان با ناتواری و نابودی دولت صفوی رخ می‌دهد. به راستی عامل اصلی شکست عثمانیان، نه بیهوشی دو فرمان‌روایی شریعه و سری، بلکه برتری ابزارهای نظامی اروپاییان در سده هجدهم و ناتواری ساختارها و بزبان‌های اقتصادی و اجتماعی عثمانی نسبت به کشورهای اروپاست.

فرمان‌روایی متمرکز

از دین تاریخ اینان کنوری، دولت صفوی دارای دو ارزش اساسی و حیطی است: نخست، ساخت ملتی یگانه با مسئولیتی یگانه در برابر مهاجمان و دشمنان، و زبوی در برابر گردنکشان و شورشلان بر فرمان‌روایی مرکزی؛ دوم، ساخت ملتی دارای آیینی ویژه که بدان شناخته شده و برای نگاهباری از همان آیین، دشواری‌های بزرگ را در برابر عیروش‌های دو دولت زبومند خاوری و باختری تحمل نموده‌است. در این مورد، آیین رسمی شریعه دوازده امامی، همان کاری را انجام داد که اکنون جهان‌بینی‌های سرطری در ساخت فرمان‌روایی‌ها می‌کنند.

به هر روی با ساخت دولت صفوی، گذشته دین‌بازی از گسرخستگی بینه‌های ملی اینان به دست فراموشی سپرده شد و بار دیگر به گفته براون، از ملت اینان «ملتی قائم بالذات، متحد، توانا و واجب الاحترام ساخت و ثغور آن را در اطم سلطنت شاه عباس یکم به ..حدود امپراتوری ساسانین رسانید»

رشته راستی و اساسی این بینه ملی، آیین تشیع بود، و گرنه با وضعی که در آن روزگار پیش آمده بود، هیچ چیز دیگری نمی‌توانست چنین تأثیری در بازگرداندن آن بینه و همبستگی داشته باشد، چنانکه اهل سنت اینان که در دوره شاه اسماعیل یکم و شاه تهماسب یکم زبوی فشارهای سختی بودند، به جای ماندن دولت عثمانی و بیهستن اینان را به خاک آن دولت آرزو می‌کردند. دسته‌هایی از کردان سری مذهب که گراعتی به فرمانبری از یک پادشاه شریعی مذهب نداشتند، بیه هیچگونه مقاومتی و مخالفتی در قلمرو عثمانی به جای ماندند؛ و دست به دست گشتن برخی از سرزمین‌های کردنشین مظن دو دولت عثمانی و صفوی تأثیری در مذهب آن‌ها نداشت.

البته از سوی دیگر بر ملتی ایناری زبوی پای‌فشاری می‌شد. همه مردم جای‌گرفته در اینان خود را هموندی (عضوی) از این کشور و ایناری می‌دانستند و مردم ترک و تاجیک (نامی که در آن زمان به اینان ناکرک داده شده بود)، دوستدار پادشاهی صفویان بودند و حتی امروزه زبوی مردم اینان با دوستداری از این خاندان طلب می‌کنند. شاه اسماعیل یکم با پای‌فشاری بر اهمیت ملی‌گرایی، پست‌های

دولتی را مطن مردم گوناگون بخش کرده بود و با ترویج شاهنامه‌خوانی، دوستی به ملتت ایرانی را مطن این‌زبان گسترش داده بود. چنانکه که در بیشتر امل‌های آن زمان، شعرهای حماسی شاهنامه خوانده می‌شد و مردم امل‌های ترک قزلباش زنی شعرهای شاهنامه را از بر داشتند. حتی شاه اسماعل نام فرزندان خود را از نام‌های ایرانی و شاهنامه برگزیده بود، مانند: تهماسب، سام، القاس، فرنگیس و ... بای دانست که چنین اندیشه‌ای به ه‌چ روی در دوران اسلامی کاری تازه و نو نبود، چه پس از جای‌گیری قطعی فرهنگ اسلامی در مطن این‌زبان و سستی پذیرفتن سرطاست ملی و نژادی که در سده‌های سوم و چهارم و زعی از سده پنجم هجری روی گرفت، پادشاهی هر مسلمان اهل سنت از هر نژاد خواه ایرانی یا آری، بی ه‌چ گونه مخالفت بزعلدی پذیرفته می‌شد، مگر از جانب زنی‌وجوطلن رقیب، و راز بزوی بردگان و امل‌های گوناگون تُرکنژاد در فرمان‌روایی چند صد ساله بر این‌ان زنی هم‌ین بود.

ساختار حکومتی

سازمان حکومتی صفوطلن در آغاز آم‌ختاری از ساختار ردهبندی صوفطلن و ساختار سنتی پادشاهی در این‌ان بود. به این روی که در بالای هرم زنی‌و شاه جای داشت که هم آدم نخست فرمان‌روایی و هم مرشد کامل بود و پس از او وکل وکل نفس نفیس هم‌این بود. وکل دارای نقش وزی اعظم (رئیس دی‌ان‌سالاری) بود و هم مطن‌چی یعنی مرشد کامل و صوفطلن. در ساختار نظامی امل‌های قزلباش زنی ردهبندی املی صوفطلنه وجود داشت. اما دی‌ان‌سالاری فرمان‌روایی بر اساس ساختارهای کهن ایرانی کار می‌کرد چرا که قزلباشان از آغاز در کارهای دی‌اری نقش چنداری نداشتند. نقش شاه به عنوان مرشد پس از جنگ چالدران سست شد و این کار در زمان شاه تهماسب یکم و شاه محمد خدابنده و شاه عباس ادامه طفت، به آرامی نقش باورهای صوفطلن در ساختار فرمان‌روایی کاهش طفت به گونه‌ای که رده وکالت به کلی از مطن رفت و بزعلری از اختلرهای مقام‌های صوفی به مقام‌های دی‌اری داده شد. کارهای عامدانه و هوشمندانه شاه تهماسب یکم و شاه عباس یکم در کاهش باورهای صوفطلنه، برای کنترل کردن خودسری‌های سران قزلباش در این روند نقش بزعلری داشت. در زمان شاه عباس یکمقاجارها تقریباً پایار ماند. در این ساختار فرمان‌روایی، شاه در نوک هرم زنی‌و جای دارد. فرمان‌های او قانون شمرده می‌شود و کسری حق مخالفت با او را ندارد. وزی اعظم بالاترین مقام اجرایی پس از شاه است و رطاست سازمان دی‌اری را بر دوش دارد. وی مطن‌چی دولطلن و شاه است. گزارش‌هایی که از دی‌ان‌ها و سازمان‌ها برای شاه فرستاده می‌شوند، نخست توسط وی خوانده می‌شود و در صورت خواست وی به آگاهی شاه می‌رسد. در مورد شاهان صفوی پس از شاه عباس یکم بای ط‌آور شد که از کارهای مهم وزی اعظم جلوگیری از سرعین خبرها و گزارش‌های ناراحت‌کننده به شاه بود! خانه وزی اعظم به طور معمول نزدیک کاخ شاه بود تا در صورت زنی‌و به گرفتن دیدگاه شاه در رای‌گیری به تندی بتواند به شاه برسد. بزینده ساخت سازمان فرمان‌روایی تازه‌ای هستی که بر اساس الگوی دی‌ان‌سالاری کهن ایرانی درست شد و تا پاملن پادشاهی

زبان رسمی صفوطلن

زبان رسمی دولت صفوی، زبان فارسی بود. شاه عباس یکم در زمان خود زبان فارسی را در سراسر این‌ان به عنوان زبان مطن‌چی تثبیت کرد. صفوطلن، زبان فارسی را برای اداره بهتر این‌ان به عنوان زبان نخست کشور این‌ان برگزیدند و کارهای پادشاهان صفوی هم‌چنین باعث تثبیت و تقویت بیشتر زبان فارسی در خاور اسلامی شد. زبان نخست گفتاری همگان مردم در دوران صفوی زنی‌و زبان مادری‌شان بود. با وجود رسمی بودن زبان فارسی، دربارطلن صوفی همچون دیگر مردم این‌ان در دربار از زبان محلی خود (ترکی آذربایجاری) بهره می‌بردند. هم‌چنین شاه عباس خود شعرهای زیبایی به ترکی سروده است. ژان شاردن جهانگرد فرانسوی هم که زمان ط‌زده سال (۱۶۶۴-۷۰ و ۱۶۷۱-۷۷) در این‌ان بوده، می‌نویسد: ترکی زبان دربار و لشگرطلن است، زنان و مردان منحصراً به ترکی سخن می‌گویند، به ویژه خانواده‌های اشرافی. شوند این کار آن است که خاندان صفوی از سزرم‌ین‌های ترک‌زبان و جاهایی که زبان مادری‌شان ترکی است، برخاسته‌اند. هم‌زمان با دوره صوفی زبان فارسی در اوج گستردگی خود قرار داشت. فارسی زبان رسمی گورکان‌طلن هند (همسای خاوری این‌ان) بود و شاعران فارسی‌گوی بزرگی از آن برخاستند. در باختر این‌ان (سرطی صغی) که

زی فرمان امپراطوری سنی‌مذهب عثمانی و رویه راستین صفولین جای داشت زنی مورد بهره بود. بیشتر سخنوران ترک بدان آشنا بوده و غزل و شعرهای کوتاه فارسی می‌سرودند. همچنین تمام نسک‌های تاریخی در دوره صفوی به زبان فارسی نگاشته شده است.

وی‌ایش ساختار قضایی

شاه عباس یکم

سازمان قضایی به دو بخش عرفی و شرعی بخش می‌شد. بخش عرفی دربرگیرنده سرینگی به کارهایی مانند کشتن و زد و خورد و تجاوز (کارهایی که وابسته به نگهداری نظم و امنیت و سازمان سرولری بود) می‌شد و بخش شرعی دربرگیرنده سرینگی به دعاوی حقوقی و شرعی بود. ریاست بخش سرینگی به دعاوی عرفی با مقام دین‌ان بیگی است و مسولین سرینگی به این دعاوی در شهرها زنی داروغه‌ها هستند. ریاست نظام قضایی شرعی زنی بر عهده صدر است. صدر بالاترین مقام دینی در دولت را داراست و خود از مطن علمای نامور شریعه‌گزنش می‌شود. قاضی‌های شرع از مطن علمای شریعه (ملاها) گزنش شده و توسط صدر گماشته می‌شوند. از کارهای دیگر صدر، برداشت و گماشتن شریخ الاسلام‌ها در شهرها و سرینگی به کارهای موقوفات در همه کشور است.

قاضی‌های گماشته از سوی صدر علی‌قاضی‌های شرع، متصدین ثبت رسمی اسناد هم شمرده می‌شوند و اسناد داد و ستد و خرید و فروش و دارایی مردم تنها با مهور شدن به مهر آنها رسمیت می‌یابند. عدم وجود مرز دقیق مطن کارهای شرعی و عرفی هر از گاه موجب ناکارآمدی‌هایی در سازمان قضایی می‌شد و این مشکل تا زمان به شاه‌ی سرین رضاخان همواره در ایران وجود داشت. از سختی‌های دیگر این سازمان قضایی این بود که هر شخصی می‌توانست در صورت زلزله به هر کدام از قاضی‌ها (گاه بیش از یک قاضی) که دلخواه او بود، مراجعه نماید.

ساختار اجرایی

نقشه پادشاهی صفوی و امپراتوری عثمانی

کشور ایران از زمان شاه عباس یکم به پنج سرزمین، بخش شده بود و هر کدام از آن سرزمین‌ها را زنی به بخش‌های کوچکتر (تا ۲۵ سرزمین بخش کرده بودند). خان بالاترین مقامی بود که از طرف شاه برای اداره یک سرزمین گماشته می‌شد و تنها زنی نظر شاه انجام کار کرده و تنها به او پاسخگو بود. سرزمین زی فرمان یک خان، خود به چند بخش تقسیم می‌شد که اداره آنها را افرادی که دارای سمت سلطان بودند، به دوش داشتند. سلطان‌ها به راستی والای بیگی نام داشت. خان‌ها و سلطان‌ها در بخش زی فرمان خود مانند یک شاه کوچک فرمانروایی می‌کردند. خان‌ها، بخش اصلی درآمد سرزمین خود را برای کارهای درونی اداری و شخصی خود و زنی تعهد پرداخت مواجب سربازانی که از مرکز به آنها محول شده بود، مصرف می‌کردند و اندازه نسبتاً کمی را برای دربار می‌فرستادند. آنها در برابر تهدیدهای بیگانه متعهد به نگاهبانی سرزمین زی فرمان خود بودند. بیشتر قریب به اتفاق خان‌ها و سلطان‌ها، سران قزلباش بودند و با ایل خود در سرزمین زی فرمان زندگی می‌کردند. درجه دوم بودند. مقام پسرین در مطن والین پس از سلطان

در این مطن برخی از بخش‌های کشور بودند که فرمانروای آنها از خودمختاری خان علی سلطان برخوردار نبود و به راستی وکلی علی نماینده‌ای از طرف شاه آنها را اداره می‌کرد که آنها را وزی می‌نامیدند. همه درآمد این بخش‌ها برای دربار فرستاده می‌شد و بودجه مصرفی این بخش‌ها را دربار تعیین و تامین می‌کرد. این بخش‌ها را اراضی خاصه می‌نامیدند. در آغاز پادشاهای صفویان بخش‌های خاصه محدود به استان‌های نزدیک به تختگاه بود اما از زمان شاه عباس یکم به این بخش‌ها افزوده شد. زیرا از یک سو درآمد مستقل شاه را افزایش می‌داد و از سوی دیگر از افزایش زحمتی فرماندهان قزلباش در برابر شاه جلوگیری می‌شد. اما در برابر فرمانروایان بخش‌های خاصه از توانایی نظامی و مدنی و انگیزه بسط و گسترش کمتری نسبت به خان‌ها و سلطان‌ها برای اداره برخوردار بودند و در برابر تهدیدهای بیگانه بسط و گسترش می‌کردند.

از زمان شاه صفی به بعد بخش‌های خاصه به تندی گسترش یافتند و یکی از علت‌های ناتوانی زحمتی نظامی صفویان را همین کار می‌دانند. در برابر گاه‌ی یک بخش دچار تهدید بیگانه می‌شد و شاه برای افزایش توان برابری یک خان قزلباش را بر آن بخش می‌گمارد. تا پادشاه‌ی شاه عباس یکم هیچکدام از استان‌های مرزی به گونه خاصه اداره نمی‌شد. در زمان شاه صفی اقلیت فارس به گونه خاصه در آمد زحمتی تهدید نظامی برای آنجا گمان نمی‌شد.

کاخ چهل ستون در اصفهان

بالاترین مقام اجرایی در شهر خان علی سلطان و وزی آن بخش شمرده می‌شد (چه در آن شهر جای‌گهی باشد چه نباشد). پس از خان علی سلطان و وزی، داروغه شهر جای داشت. اداره‌کننده اصلی شهر، به راستی داروغه بود. داروغه کار نگهداری امرت و نظم شهر و همچنین کار رسیدگی به دعاوی وابسته به زد و خورد و کشت را به دوش داشت. عسس، کوتوال، کلانتر و محتسب همه زیر فرمان داروغه کار می‌کردند. عسس فرمانده‌ی نگهبانان شب را به دوش داشت. کوتوال مسئول نگاهبانی و نگهداری از استحکامات بود و در شهرهایی که داروغه نداشت، عسس کار داروغه را زحمت دارا بود. کلانتر مأموریت‌های بی‌داروغه و مقام‌های بالاتر و مردم عادی بود. در شهرهای بزرگ هر محله برای خود دارای کلانتر بود. کلانتر کار نگاهبانی از حقوق مردم در برابر دولتین و بخش‌بندی کارهای سخت (گفته‌شده از سوی مقام‌ها) به گونه برابر زحمت مردم و گرفتن مالیت‌ها از مردم را بر دوش داشت. در روستاها کدخداها کارهای کلانترها را انجام می‌دادند. محتسب بر درستی اندازه‌ها و اوزان در شهر نظارت می‌کرد و نرخ کالاهای اساسی را زحمت در شهر تعیین [و اعلام می‌کرد]

ساختار سپاه‌ی و لشکری

زحمت‌های سپاه‌ی این در آغاز به پادشاه‌ی رسیدن شاه اسماعیل یکم تا زمان پادشاه‌ی شاه عباس یکم، درست‌شده از اطراف قزلباش بود. قزلباشان به گونه سواره می‌جنگیدند و سواران آنها را قورچی می‌نامیدند. قورچی‌ها مسلح به شمشیرهای هلالی شکل (مناسب برای نبرد سواره)، کمان و تفنگ بودند. از زمان شاه عباس یکم به بعد زحمت‌های پیاده مسلح به تفنگ از مردم تاجیک (غنی قزلباش) و زحمت سپاه غلامان خاصه (درست‌شده از گرجی‌ها، چرکس‌ها و ارمنی‌ها) ساخته شد. توپخانه زحمت معمولاً در دوره‌گویی (محاصره) شهرها از زمان شاه تهماسب یکم به کار گرفته می‌شد اما به شوند (دلالت) گونه تاکتیک‌های جنگی این زحمت که بر اساس تحرک زحمت

در میان جنگ بود، در جنگ‌های مستوّه نقش زلّدی نداشت. بالاترین مقام نظامی از زمان شاه عباس یکم به بعد سپهسالار ایران بود. این سمت در ابتدا داصی بود ولی از زمان شاه صفی در زمان جنگ تعیین می‌شد. مقام‌های اصلی سپاه ایران در زمان شاه سلیمان (گفته از سفرنامه کمپفر) به شرح زیرند:

کلاه خود متعلق به دوره صفوی

قورچی باشی: فرمانده قورچ‌لن (سواران قزلباش) و بالاترین مقام پس از سپهسالار. قورچی‌ها در زمان شاه سلیمان حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر تخمین زده می‌شوند و سالانه ۱۰ تا ۱۲ تومان مزد می‌گرفتند.

قوللر آقاسی: فرمانده سپاه غلامان. سپاه غلامان از گرچ‌لن، چرکس‌ها، ارمن‌لن و دیگر غی ای‌لن ساخته می‌شد که به گونه سواره می‌جنگیدند. شمار آنها حدود ۱۵ تا ۱۸ هزار نفر تخمین زده می‌شد و سالانه کمی کمتر از ۱۰ تومان مزد می‌گرفتند.

تفنگچ‌لر آقاسی: فرمانده سپاه تفنگچ‌لن بچده بود. این تفنگچ‌لن تاجیک (ای‌اری غی‌ترک) بودند و بچده می‌جنگیدند. به این گونه از اسب تنها برای نقل و انتقال پیش از درگیری استفاده می‌کردند اما در هنگام جنگ و در نزدیکی دشمن از اسب بچده شده و می‌جنگیدند. سلاح آنها زین تفنگ و شمشیر بوده است. شمار آنها نزدیک به ۵۰ هزار تخمین زده می‌شود. مزد سالانه تفنگچ‌ها کمی کمتر از غلامان بود. تفنگچ‌لن مازندرانی از دیگر تفنگچ‌لن نام‌دارتر بوده‌اند.

توپچی باشی: فرمانده توپخانه ایران که در م‌لن مقام‌های گفته شده پایین‌ترین اهمیت را داشت.

به جز زین‌وهای نظامی گفته شده گروهی ساخته از ۲۰۰۰ سرباز مجهز بچده نامور به جزای‌ی وجود داشتند که مزد آنها را شاه پرداخت می‌کرد و کار نگهبانی از دربار را به دوش داشتند. آنها زین فرمانده‌ی اثربیک آقاسی بودند.

یکان‌های دروئی در سپاه را افسرانی دارای عنوان‌های زین اداره می‌نمودند. این عنوان‌ها همگی از واژه‌های ترکی درست شده‌اند:

م‌ن باشی (فرمانده ۱۰۰۰ سرباز) دارای مزد سالانه ۷۰ تومان

یز باشی (فرمانده ۱۰۰ سرباز) دارای مزد سالانه ۳۰ تومان

اون باشی (فرمانده ۱۰ سرباز) دارای مزد سالانه ۱۵ تومان

البته همان‌گونه که امروزه زین راجع است گاه تعداد سربازان زین فرماندهی این صاحب‌منصبان کمتر از پیشتر از مین نامی آن بود) (مزد سربازان به صورت حواله پرداخت می‌شد. این حواله‌ها برای والیان بخش‌های گوناگون کشور صادر می‌شد و سربازان معمولاً به دلیل عدم امکان سفر به آن بخش‌ها آنها را به دلالت می‌فروختند. تا مین خوراک در هنگام جنگ‌ها به دوش خود سربازان بود، به همین شوند (دلیل) در هنگام جنگ‌ها پیشه‌وران در پی سپاه روان می‌شدند و کالاهای مورد نظر را به آنها می‌فروختند

بین‌مائه‌های تاریخی برای شناخت صفوی

در دوران صفوی کتاب‌های تاریخی بسطری درباره‌ی این دودمان به نگارش در آمد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: صفوة‌الصفاء، عالم‌آرای امینی، حبیب‌السری، فتوحات شاه‌ی، بدایع‌الوقایع، تاریخ شاه اسماعیل و شاه طهماسب، تحفه سامی، تاریخ رشیدی، احسن‌التواریخ، خلاصة‌التواریخ، عالم‌آرای عباسی، خلاصة‌السری، قصص‌الخاقانی، خلدبرین، عالم‌آرای شاه اسماعیل، زبدة‌التواریخ، تذکره‌الملوک، ... تاریخ حزین و

جدا از این نسک‌ها، منشآت و سفرنامه‌های بسطری (به‌ویژه از اروپاییان) باشند (موجود) است که در شناخت تاریخ صفویان بسطری به‌رمنند است

ولایت‌های اینان در دوره صفوی

در کتاب مهم تذکره‌الملوک درباره‌ی ولایت‌های اینان در دوره صفویان این چنین آمده است

والی در ممالک اینان چهار است که اسامی هر یک موافق اعتبار و شرف و تریب نوشته می‌شود: اول والی عربستان [۵۸] که به ... اعتبار سوادت و شجاعت و زطدنی اعلی و عشریت از والی‌های دیگر بزرگتر و عظیم‌الشان‌تر است. و بعد از آن والی لرستان فطی است که به اعتبار اسلام، اعز از والی گرجستان است و ولایت گرجستان‌تگرستان کاربلی و کاخ و تفلیس است. [۵۹] و بعد از مرتبه والی گرجستان، والی کردستان است که سنندج محل سکناى ایشان می‌باشد و بعد از او حاکم بخندری و در قدیم‌الاطم کمال اعزاز و احترام داشته‌اند. متعلقه به اینان، اما بنگر بیگلرکین عظیم‌الشان اینان سرین‌ده است: اول قندهار، دوم شرین‌وان، سوم هرات، چهارم آذربایجان، پنجم چخورسعد، ششم قراباغ و گنجه، هفتم استرآباد، هشتم کوهگلیوی، نهم کرمان، دهم مرو شاه‌یجان، یازدهم قلمروی علیشکر، دوازدهم مشهد مقدس معلی، سرین‌دهم دارالسلطنه قزوین

پادشاهان صفوی و دوره پادشاهی آنان

تاریخ‌ها به هجری قمری است

شاه اسماعیل یکم

نمونه تفنگهای فتل‌های دوره صفوی

شاه تهماسب یکم (۹۳۰-۹۸۴) (۹۰۲ - ۹۵۵ خورشیدی

(شاه اسماعیل دوم (۹۸۴-۹۸۵) (۹۵۵ - ۹۵۶ خورشیدی

(شاه محمد خدابنده (۹۸۵-۹۹۶) (۹۵۶ - ۹۶۶ خورشیدی

(شاه عباس یکم (۹۹۶-۱۰۳۸) (۹۶۶ - ۱۰۰۷ خورشیدی

(شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲) (۱۰۰۷ - ۱۰۲۱ خورشیدی

(شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷) (۱۰۲۱ - ۱۰۴۵ خورشیدی

(شاه سلیمان ۱۰۷۷-۱۱۰۵) (۱۰۴۵ - ۱۰۷۲ خورشیدی

(شاه سلطان حسین ۱۱۰۵-۱۱۳۵) (۱۰۷۲ - ۱۱۰۱ خورشیدی

(شاه تهماسب دوم ۱۱۳۵-۱۱۴۵) (۱۱۰۱ - ۱۱۱۱ خورشیدی

(شاه عباس سوم ۱۱۴۵-۱۱۴۸) (۱۱۱۱ - ۱۱۱۴ خورشیدی

نامداران روزگار صفوی

هه لو خان اردلان حاکم قدرتمند کردستان

...سرداران سپاه: قرچقای خان، اللهوردی خان، امامقلی خان، گرگین خان، فتحعلی خان داغستانی، رستم خان قوقلر آقاسری و

دانشمندان و فقیهان شرعی: مولانا فیض کاشانی، شیخ بهایی، می داما، می فندرسکی، علامه مجلسی، ملاصدرا، ((سری نعمت الله
...جزایری شوشتری)) و

...هنرمندان (نقاش، خوشنویس و معمار): رضا عباسی، علی‌رضا عباسی، م‌ی‌عماد، آقام‌ک، محمد‌رضا اصفهانی و

...شاعران: صائب تبریزی، کلیم کاشانی، محتشم کاشانی و

...تاریخ‌نویسان: اسکندر بیگ منشی، حسن بیگ روملو، احمد منشی قمی و

منتخبی از سکه های دوره صفوی

سکه از معتبرترین منابع تاریخی محسوب می‌شوند و نقوش و کتیبه‌های حک شده بر آنها حاوی اطلاعات ارزشمندی می‌باشد. سکه‌های دوره صفویه به لحاظ سجع از ویژگی‌های خاصی برخوردار بوده است. سجع سکه شاهان صفوی نشانگر اعتقادات مذهبی آنهاست.

دولت صفوی در اوایل قرن دهم هجری تأسیس گردید. مؤسس این سلسله شاه اسماعیل (905-930 هجری قمری) پسر شیخ حیدر، نواده شیخ صفی‌الدین صوفی معروف بود. با تشکیل دولت صفوی یکی از درخشان‌ترین ادوار تاریخی ایران آغاز گردید. بعد از شاه اسماعیل، شاه طهماسب، فرزندش آن را تثبیت نمود و شاه عباس، نوه شاه طهماسب آن را به اوج قدرت رسانید. بعد از مرگ شاه عباس اول، نوه او با نام شاه صفی و سپس عباس دوم، سلیمان و شاه سلطان حسین سلطنت نمودند.

دولت صفوی تا سال 1200 هجری با اتمام حکومت سلطان محمد دوم پایان یافت. سکه‌های رایج در زمان صفویه از زر و سیم و برنز بود. ولی در معاملات و داد و ستد بیشتر از سکه نقره و برنز استفاده می‌شد و سکه زر کمتر در دست مردم بود و معمولاً در جشن‌ها و تاجگذاری و اعیاد ضرب می‌شد. واحد پول دوران صفوی تومان بود. سکه زر به نام اشرفی و سکه نقره بنام بیستی، محمدی، شاهی و عباسی نامیده می‌شد و سکه‌های برنزی غازی نام داشت که معمولاً به آنها فلوس می‌گفتند. بر روی سکه‌های فلوی معمولاً تصاویر مختلفی از حیوانات و پرندگان نقش می‌گردید.